

بررسی ارتباط تعبیر خواب و تأویل آیات بر مبنای دیدگاه ابن سینا و شیخ اشراق

سعید انواری*

فاطمه اسمعیلی اردکانی**

چکیده

ابن سینا و پس از وی شیخ اشراق به رابطه میان تأویل و تعبیر اشاره کرده‌اند و معتقدند که گاهی نفس در بیان حقیقتی معنوی که در خواب یا کشف و شهود مشاهده کرده است، آن را به مشابه یا ضد آن تغییر می‌دهد که در این صورت نیازمند تفسیر باطنی هستیم. این تفسیر باطنی در صورتی که در مورد کشف و شهود و الهاماتی باشد که در بیداری دریافت شده‌اند، تأویل نامیده می‌شود و در صورتی که در مورد مطالب دریافت شده در خواب باشد، تعبیر نامیده می‌شود. بدین ترتیب تأویل وحی و تعبیر خواب دارای فرایندی واحد هستند. بر این اساس این فرضیه مطرح می‌شود که قاعدتا باید میان تاویلات عرفانی و تعبیرات خوابگزاران در مورد مصادیق واحد، تشابه و تناظر وجود داشته باشد. این مقاله با تبیین نظریه ابن سینا و شیخ اشراق و بررسی موارد مشابه میان تاویلات عرفا و تعبیرات خوابگزاران به بررسی این موضوع پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: تعبیر خواب، تأویل آیات، کشف و شهود، ابن سینا، سهروردی.

* دانشیار فلسفه و کلام اسلامی، گروه فلسفه، دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)

saeed.anvari@atu.ac.ir

** کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه علامه طباطبایی، f.esmaeili2001@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱/۱۸

۱. مقدمه

در میان فلاسفه اسلامی ابن سینا و سهروردی به رابطه میان تاویل الهامات و حیانی و تعبیر خواب توجه کرده‌اند و معتقدند که حقیقتی واحد در صورتی که در خواب مشاهده شود نیازمند تعبیر است و در صورتی که در بیداری بر فرد عرضه شود، نیازمند تاویل است. نتیجه ضمنی این نظریه آن است که قاعدتا تاویلاتی که عرفا از آیات قرآن انجام داده‌اند و تعبیراتی که معبرین در آثار خود بیان کرده‌اند در صورتی که در مورد امر واحدی باشد، معنای واحدی خواهند داشت. در این مقاله با مراجعه به تاویلات عرفا و تعبیرات مطرح شده در کتاب‌های تعبیر خواب، این فرضیه بررسی شده است. بر این اساس نشان داده شده است که مثلاً امر واحدی همچون «آتش» در تاویلات عرفانی به همان معنایی در نظر گرفته شده است که در تعبیرات خوابگزاران بکار رفته است. بدین منظور نخست نظریه ابن سینا و سهروردی مطرح شده و سپس موارد اشتراک میان تاویل آیات قرآن کریم در آثار عرفانی و تعبیرات خوابگزاران مورد بررسی قرار گرفته است.^۱

۲. معنای تاویل و تعبیر

تاویل در لغت از ریشه «أول» به معنای بازگشت و بازگرداندن سخن به آغاز آن است (ابن منظور، ۱۴۱۶: ج ۱۱، ۳۲) و در اصطلاح دامنه معنایی وسیعی میان توجیه (معنای باطنی که در مقابل تفسیر قرارداد) و تبیین را (که به معنای تفسیر و درک بهتر معنای ظاهری است) در بر دارد (نک: پاکتچی، ۱۳۸۵: ۳۷۶-۳۷۷). تاویل در معنای عرفانی آن به معنای تفسیر باطنی و خارج کردن آیه از معنای ظاهری است (نگری، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۶۴). جرجانی در مورد تاویل می‌نویسد (جرجانی، ۱۳۷۰: ۲۲): «در اصل به معنای رجوع است و در اصطلاح شرعی، بازگرداندن لفظ از معنای ظاهری به معنای احتمالی آن است».

تعبیر از ریشه «عبر» به معنای گذشتن و عبور کردن است (ابن منظور، ۱۴۱۶: ج ۴، ۵۳۰). از آنجا که معبر از ظاهر رؤیا به سوی معنای باطنی آن فرا می‌رود، آن را تعبیر رؤیا نامیده‌اند (چیتیک، ۱۳۹۲: ۴۸). مراد از تعبیر خواب معنای باطنی‌ای است که معبر یا خوابگزار از خواب بیان می‌کند و علم تعبیر رویا یا تعبیر خواب را علمی دانسته‌اند که از طریق آن با مشاهده متخیلات در خواب، به معنای حقیقی آنها دست می‌یابند (تهانوی، ۱۹۹۶: ج ۱، ۵۶).

شیخ اشراق در تعریف خواب می‌نویسد: «و خواب عبارتست از انقباس روح از ظاهر در باطن»^۲ (سهروردی، ۱۳۸۰: ۸۰؛ ۱۳۸۰هـ: ۱۰۰؛ ۱۳۸۰ح: ۲۴۰). و نیز می‌نویسد: «آن که خواب می‌بیند جان است و جان در آن عالم بیند» (سهروردی، ۱۳۸۰: ۲۶۲). وی در آثار مختلف خود، تعداد محدودی از خواب‌ها را نیز تعبیر نموده است (این موارد عبارتند از: مار و گرگ^۳؛ دریا و کوه^۴؛ زیاد شدن فرزند^۵؛ مردن^۶). همچنین به تاویل برخی از آیات پرداخته است (به عنوان نمونه نک: سهروردی، ۱۳۸۰: ۸۹ و ۹۴؛ الف: ۱۳۸۰: ۱۸۱ و ۱۸۹؛ ۱۳۸۰: ۲۹۱). چنان که می‌دانیم این سینا نیز رساله‌ای در زمینه تعبیر خواب دارد (نک: مهدوی، ۱۳۳۳) و در آثار خود به تاویل برخی از آیات پرداخته است (به عنوان نمونه نک: ابن سینا، ۱۳۷۵: ج ۲، ۳۵۶؛ ابن سینا، ۱۳۸۳: الف).

۳. انواع خواب و الهامات

ابن سینا در رساله فی الفعل و الانفعال به سه دسته خواب و کشف و شهود اشاره می‌کند (ابن سینا، ۱۴۰۰: ۲۲۵-۲۲۶): خواب‌ها و کشف و شهودهای پریشان؛ صادق؛ تاویل یا تعبیر پذیر.^۷

۱. خواب‌های پریشان و کشف و شهودهای نامعتبر؛ ابن سینا این دسته از خواب‌ها یا الهامات را تحت تاثیر قرآن کریم اضغاث احلام^۸ (خواب‌های درهم، رویاهای مختلطه^۹) نامیده است و می‌نویسد که گاه خواب بر اثر غلبه یکی از اخلاط بدن و یا حدیث نفس و اموری از این دست، به خوابی درهم و پریشان تبدیل می‌شود (ابن سینا، ۱۴۰۰: ۲۲۶؛ ۱۳۸۳: ج ۱۳۱-۱۳۲). سهروردی نیز در حکمة الاشراق به این دسته از خواب‌ها اشاره کرده است (۱۳۸۰: ۲۳۶-۲۳۷). می‌توان گفت که این گونه خواب‌ها بر خلاف خواب‌هایی که بر وقایع آینده دلالت دارند، بر اوضاع و احوال بدن یا نفس در زمان حال دلالت می‌کنند (ارطامیدورس، ۱۹۶۴: ۷). به عنوان مثال فرد تشنه ممکن است در خواب خود را در حال خوردن آب بیابد و یا فرد عاشق، محبوب خود را مجسم سازد و با وی سخن بگوید (ارطامیدورس، ۱۹۶۴: ۷؛ نابلسی، بی‌تا: ۴). در کتاب‌های تعبیر خواب نیز دلایل جسمی و روحی مختلفی را علت این گونه خواب‌ها ذکر کرده‌اند (نک: تفلیسی، ۱۳۸۵: ۲۵).

در زمینه کشف و شهود نیز کشف و شهودهای نامعتبری وجود دارند که ملاحظاتی سبزواری آنها را اموری همانند اضغاث احلام به شمار آورده است (سبزواری، ۱۴۲۲: ج ۵، ۲۳۷) و هروی آنها را تخیلات وهمیه نامیده است (هروی، ۱۳۵۸: ۲۰۸). این امور نیز تحت

۴ بررسی ارتباط تعبیر خواب و تاویل آیات بر مبنای دیدگاه ابن سینا و شیخ اشراق

تأثیر حالات روحی فرد قرار دارند؛ به عنوان مثال سهروردی می‌نویسد که دروغ گفتن باعث می‌شود که «هر خواب و هر واقعه که بیند دروغ باشد» (سهروردی، ۱۳۸۰ ج: ۴۰۰).
۲. رویا و کشف و شهودهای صادق؛ ابن سینا در این باره می‌نویسد (ابن سینا، ۱۴۰۰: ۲۲۵):

«و گاه خواب‌ها صادق هستند. بدین نحو که امری بدون نیاز به تعبیر و تاویل عیناً به همان نحو و صورت مشاهده می‌شود».

در کتاب تعبیر خواب ارطامیدورس که اسحاق بن حنین آن را به عربی ترجمه کرده است نیز به این دسته از رؤیایا اشاره شده است و آمده است که مثلاً فرد در خواب مشاهده می‌کند فردی ضربه‌ای به او زده است و صبح آن روز همان واقعه برای وی اتفاق می‌افتد (ارطامیدورس، ۱۹۶۴: ۱۰-۱۱). این نوع در مورد خواب، رؤیای صادقه نامیده می‌شود^{۱۰} که در آن وقایع آینده عیناً مشاهده می‌شوند و نیازمند تعبیر توسط معبر نیست؛ و در مورد وحی الهی، شامل آیات محکم می‌شود که در مقابل آیات متشابه قرار دارند که نیازمند تاویل هستند (شهرزوری، ۱۳۸۵: ج ۳، ۶۶۶)^{۱۱}. شیخ اشراق نیز به این موارد اشاره کرده و آنها را رویای صادقه یا وحی صریح می‌نامد (سهروردی، ۱۳۸۰ هـ: ۱۰۴؛ نیز نک: ابوریان، ۱۳۷۲: ۳۲۶). همچنین صاحب خُرّه کیانی را (نک: انواری، ۱۳۹۰)، کسی می‌داند که «خواب و الهام او به کمال رسد» (سهروردی، ۱۳۸۰: ۸۱).
۳. رویا و کشف و شهودهایی که نیازمند تعبیر و تاویل هستند. ابن سینا در این مورد می‌نویسد (ابن سینا، ۱۴۰۰: ۲۲۵):

«و گاه به نحوی مشاهده می‌شوند که محاکی از شیء هستند [و نه عین آن] ... پس گاه حکایت‌گری نزدیکی به شیء دارد و گاه حکایت‌گری بعیدی دارد که در این صورت نیازمند تعبیر و تاویل است».

وی در مورد علت این امر معتقد است در صورتی که نفس از امری روحانی تأثیرپذیرد و اثر آن پس از خواب یا حالت یقظه^{۱۲} (بیداری) در ذاکره باقی بماند، رؤیای صادقه یا الهام و وحی است که نیازمند تعبیر و تاویل نیستند؛ اما در صورتی که آنچه مشاهده شده است در ذاکره باقی نماند و تنها مشابه یا متضاد آن که توسط متخیله ایجاد شده است در یاد فرد باقی بماند، نیازمند تعبیر و تاویل است (همان). وی وحی را نیازمند تاویل و رؤیای نیازمند تعبیر دانسته است (همان). ابن سینا خلاصه این مطالب را در کتاب اشارات و برخی دیگر از

آثار خود نیز بیان کرده است (نک: ابن سینا، ۱۳۷۵: ج ۳، ۴۱۱؛ ۱۳۵۲: ۱۰؛ ۱۳۸۳: اب: ۶۸-۶۹؛ ۱۳۸۳: ج: ۱۳۱-۱۳۳). وی در مورد تعبیر می‌نویسد: «معنی تعبیر آن بود که گویی چه چیز دیده باشم از عالم غیب تا متخیله از وی بچیزی دیگر شد؟ مثلاً چه دیدم تا متخیله او را به درختی [مانند] کرد؟ پس بیشتر تعبیر به تخمین بود و به تجربت‌ها» (ابن سینا، ۱۳۸۳: ج: ۱۳۴). وی تعبیر را حدس معبر دانسته است که از طریق آن اصل را از فرعی که مشاهده شده است تشخیص می‌دهد (ابن سینا، ۱۳۲۶: ۶۵)؛ چرا که نفس از معانی به صورتی که مشابهت بیشتری با آن معنا دارد منتقل می‌شود (ابن سینا، ۱۴۰۴، ج ۲: ۱۵۵).

شیخ اشراق نیز تحت تاثیر کتاب اشارات مطالب ابن سینا را در آثار مختلف خود بیان می‌کند. وی در المشارع می‌نویسد (سهروردی، ۱۳۸۰: ط: ۴۹۵):

«نقشی که در حس مشترک حاصل می‌شود، در صورتی که از طرف متخیله پدید آمده باشد، امری شیطانی و کاذب است. و اگر از اموری باشد که از جانب عالم قدس در نفس نقش بسته است و سپس به قوه متخیله و حس مشترک رسیده است، امری صادق خواهد بود. پس گاه آنچه در نفس حاصل شده است به عینه ثبت و ضبط می‌شود و گاه متخیله از آن به شبیه یا ضد آن منتقل می‌شود که در این حالت نیازمند تعبیر یا تاویل هستیم».

شیخ اشراق در التلویحات و اللمحات نیز به انواع سه گانه خواب و کشف و شهود اشاره می‌کند (نک: سهروردی، ۱۳۸۰هـ: ۱۰۴؛ ۱۳۸۰: ج: ۲۴۰). وی می‌نویسد که گاهی نفس امری عقلانی را مشاهده می‌کند و سپس قوه متخیله از آن با صورتی متناسب حکایت می‌کند (سهروردی، ۱۳۷۹: ۱۰۲؛ ۱۳۸۰: ج: ۴۵۲). وی در الالواح العمادیة و الواح عمادی نیز با اشاره به این مطالب، به انتقال متخیله از صورتی به صورتی مشابه یا متضاد اشاره می‌کند (سهروردی، ۱۳۸۰: اب: ۸۷؛ ۱۳۸۰: الف: ۱۷۸). این انتقال از صورتی به صورت دیگر ممکن است چندین بار اتفاق بیفتد و امر مشاهده شده چنان تغییر کند که دیگر قابل تعبیر یا تاویل نباشد، این دسته نیز به اضغاث احلام تبدیل می‌شود (ابن کمونه، ۱۳۹۱: ج ۳، ۵۱۰). بدین جهت سهروردی اضغاث را از دعابه (بازی و شوخی) شیطان تخیل دانسته است (سهروردی، ۱۳۷۹: ۱۰۳).

سهروردی در کتاب حکمة الاشراق با ذکر سخنانی مشابه ابن سینا، تعبیر و تاویل را نوعی تفسیر و استنباط دانسته است که مشخص می‌سازد متخیله از چه چیزی به امر مشاهده شده منتقل شده است (سهروردی، ۱۳۸۰: و: ۲۳۷). بر این اساس می‌توان تعبیر را

تحلیل معکوسی دانست که در آن از صور خیالی به معانی نفسانی دست می‌یابند (ابن کمونه، ۱۳۹۱: ج ۳، ۵۰۹؛ سهروردی، ۱۳۸۰هـ: ۱۰۴).

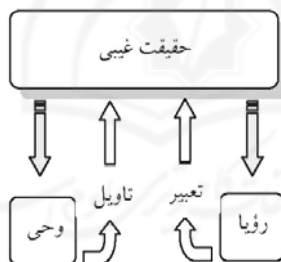
بیشتر فلاسفه اشراقی و شارحان سهروردی مطالب مطرح شده در آثار ابن سینا و شیخ اشراق را به انحاء مختلف تکرار کرده‌اند (به عنوان نمونه نک: شهرزوری، ۱۳۸۵: ج ۳، ۶۶۵-۶۶۷؛ ۱۳۸۰: ۵۶۰؛ قطب شیرازی، ۱۳۸۴: ۵۰۲-۵۰۵؛ ریزی، ۱۳۷۷: ۵۲۸-۵۲۹؛ هروی، ۱۳۵۸: ۲۰۵-۲۰۹؛ ملاصدرا، ۱۳۹۲: ج ۲، ۴۸۳).

۴. نظریه‌ی یکی بودن فرایند تاویل و تعبیر

بر اساس آنچه گفته شد ابن سینا و سهروردی معتقدند که در صورتی که حقیقت غیبی واحدی (ابن سینا، ۱۴۰۰: ۲۲۵؛ سهروردی، ۱۳۸۰: ۸۰؛ ۱۳۸۰: ح: ۲۴۰):

یک) از طریق خواب دریافت شود، نیازمند تعبیر است.

دو) از طریق کشف و شهود یا وحی دریافت شود، نیازمند تاویل است.



از آنجا که حقیقت غیبی امر واحدی است، می‌توان به این نتیجه رسید که این امر واحد چه از طریق خواب ظاهر شود و تعبیر گردد و چه از طریق وحی نازل شود و تاویل شود، محاکمی از معنای واحدی خواهد بود. این مطلب در تصویر فوق نشان داده شده است. بر این اساس فرایند تعبیر خواب و تاویل آیات ساختاری مشابه داشته و در مورد یک امر واحد، به معنایی واحد منتهی می‌شوند. در ادامه مقاله این نظریه با بررسی کتاب‌های تعبیر خواب و تاویل آیات مورد ارزیابی عملی قرار می‌گیرد.

۵. شواهدی بر یکی بودن فرایند تعبیر و تاویل

پیش از بررسی عملی و موردی مشابهت‌های میان تعبیر خواب‌ها و تاویل آیات، به شواهدی در زمینه مشابه بودن فرایند تعبیر و تاویل اشاره می‌شود:

یک) ارتباط لغوی میان دو اصطلاح؛ میان تعبیر خواب و تاویل رابطه معنایی وجود دارد؛ به نحوی که در قرآن کریم تاویل در مواردی به معنای تعبیر خواب بکار رفته است (به عنوان نمونه نک: یوسف: ۶، ۳۶، ۴۴، ۴۵، ۱۰۱) و علم تعبیر خواب (تأویل الأحلام، تأویل الرؤیا)، علم «تأویل الاحادیث» نامیده شده است (یوسف: ۲۱).

دو) استفاده از آیات در تعبیر خواب؛ بجز رابطه معنایی میان این دو اصطلاح، رابطه محتوایی نیز میان آنها وجود دارد. معبرین در بسیاری از موارد برای تعبیر کردن خوابها به آیات قرآن و تاویلات آن تمسک جسته‌اند. به عنوان مثال در مورد مشاهده شهر در خواب آمده است که به نظر ابن سیرین، داخل شدن به شهر بهتر از خارج شدن از آن است؛ زیرا خداوند در قرآن می‌فرماید: «فخرج منها خائفاً يترقب» (القصص: ۲۱) (نابلسی، بی‌تا: ج ۲، ۲۴۰). و یا جابر مغربی مشاهده خورشید و ماه و ستارگان را در خواب نشانه پدر و مادر و برادران دانسته است و برای اثبات سخن خود به آیه «إني رأيت أحد عشر كوكبا والشمس والقمر رأيتهم لي ساجدين» (یوسف: ۴) تمسک جسته است (تفلیسی، ۱۳۸۵: ۵۶). به عنوان نمونه‌ای دیگر مشاهده تابوت در خواب را بر اساس آیه «إن آية ملكه أن يأتیکم التابوت» (البقرة: ۲۴۸) به ملک عظیم و سلطنت تعبیر کرده‌اند (ابن سیرین، بی‌تا: ج ۱، ۲۵۰). نقل شده است که امیری خواب دید که روی او سیاه شده است. معبر بر اساس آیه «و إذا بُشِّر أحدهم بالانثى ظلَّ وجهه مسوداً» (النحل: ۵۸) گفت که خداوند به تو دختری خواهد داد و همان روز وی صاحب دختری شد (تفلیسی، ۱۳۸۵: ۳۷).

چنان که می‌دانیم نحوه مشاهده یک حقیقت در خواب، تعبیر آن را متفاوت می‌سازد. این مطلب نیز با تاویل آیات قرآن ارتباط دارد، چرا که واژه‌ای مانند «آب» بسته به کاربرد آن در آیات متفاوت معانی تاویلی متفاوتی دارد و معبرین از این اختلاف معنایی در تعبیر خواب‌ها استفاده می‌کنند. چنان‌که نابلسی در کتاب تعبیر خواب خود می‌نویسد که آب را در خانه به دلیل آیه «هو الذی خلق من الماء بشرا فجعله نسبا و صهرا» (الفرقان: ۵۴) نشانه ازدواج دانسته‌اند و به دلیل آیه «لا سقیناهم ماء غدقا لفتنهم فیه» (الجن: ۱۶-۱۷) نشانه فتنه و به دلیل آیه «إن الله مبتلیکم بنهر» (البقرة: ۲۴۹) نشانه بلا بر شمرده‌اند و آب گوارا را به دلیل

آیه «و جعلنا من الماء کل شیء حی» (الانبیاء: ۳۰) نشانه روزی حلال و طیب و علم دانسته‌اند (نابلسی، بی تا: ج ۲، ۲۲۶).

همچنین معبر در تعبیر خواب یک فرد به روحیات و باطن وی نیز توجه می‌کند و سپس به یکی از آیات قرآن استناد می‌نماید. چنانکه نقل شده است که دو نفر در خواب دیدند که اذان می‌گویند. ابن سیرین به دلیل پاک بودن باطن یکی از این افراد و بر اساس آیه «و اذّن فی الناس بالحج» (الحج: ۲۷) گفت که وی به حج خواهد رفت، اما در مورد فرد دیگر به دلیل بد بودن باطن او و بر اساس آیه «ثم اذّن مؤذّن أیتها العیر إنکم لسارقون» (یوسف: ۷۰) گفت که او را به دزدی متهم خواهند کرد (تفلیسی، ۱۳۸۵: ۳۰؛ ابن سیرین، بی تا: ۳۶). به دلیل رابطه میان آیات قرآن و علم تعبیر خواب، گفته شده است که معبر نیازمند دانستن و استفاده از قرآن است (ابن سیرین، بی تا: ۳-۴).^{۱۳}

سه) خصوصیات معبر و تاویلگر؛ چنانکه گفته شده است علم تعبیر خواب موهبتی الهی است که به افراد صالح اعطا می‌شود.^{۱۴} علم تاویل آیات نیز بر اساس آیه ۷ سوره آل عمران، تنها مخصوص خداوند است که ممکن است به افراد برگزیده‌ای اعطا شود. بدین جهت شرایطی که در پاکی درون برای معبر ذکر شده است (نک: تفلیسی، ۱۳۸۵: ۳۴) با شرایطی که عالمان به تاویل قرآن نیازمند به آن هستند قابل مقایسه است.

چهار) دسته‌بندی متناظر آیات و رویاها؛ چنانکه ذکر شد رؤیای صادقه مشابه آیات محکم و رویاهایی که نیازمند تعبیرند مشابه آیات متشابه هستند. در صورتی که وحی را به معنای عام در نظر بگیریم «وحی شیطانی» (نک: الانعام: ۱۱۲ و ۱۲۱) را می‌توان با اضغاث احلام مقایسه نمود. بدین ترتیب تناظر کاملی میان سه نوع خواب و سه نوع وحی برقرار می‌شود. از امام صادق (ع) نیز روایت شده است که خواب بر سه دسته است: محکم، متشابه و اضغاث احلام (تفلیسی، ۱۳۸۵: ۲۵).

آیات محکم	آیات متشابه (تاویل پذیر)	وحی‌های شیطانی
رویا‌های صادقه	رویا‌های تعبیر پذیر	اضغاث احلام

پنج) نزول وحی در خواب؛ در احادیث آمده است که وحی در آغاز بر پیامبر اکرم (ص) به صورت رؤیای صادقه آغاز شده است (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۸، ۱۹۴). بر این اساس

ابن عربی مبدأ وحی را رویای صادقه دانسته است (ابن عربی، ۱۹۱۱: ج ۲، ۳۷۵). همچنین شاید بتوان حدیثی که رویای صادق را جزئی از اجزاء نبوت به شمار می‌آورد (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۸، ۱۹۱) مؤیدی بر مشابهت فرایند ظهور حقیقت غیبی در خواب و در نزول وحی دانست. ابن عربی در فتوحات می‌نویسد: «وحی با رؤیا شروع می‌شود نه با حس، چرا که معانی معقول به خیال نزدیک‌ترند تا به حس ... وحی یک معنی است که ... قبل از وصولش به حس باید از حضرت خیال عبور کند ... به همین علت وحی با خیال آغاز می‌شود» (ابن عربی، ۱۹۱۱: ج ۲، ۳۷۵).

۶. محدودیت‌های ارزیابی نظریه

پیش از ارزیابی عملی ارتباط تاویل و تعبیر لازم است به چند محدودیت در این تحقیق توجه نماییم:

یک) از میان تاویلات عرفا تنها تاویلات آفاقی آنها با مطالب ذکر شده در کتاب‌های تعبیر خواب قابل مقایسه هستند. چنان که می‌دانیم تعبیر خواب‌ها و تاویلات عرفانی را می‌توان به دو دسته آفاقی و انفسی تقسیم نمود:

الف) آفاقی؛ در این نوع، امر مشاهده شده به امری آفاقی تعبیر یا تاویل می‌شود، مانند: مار و گرگ به دشمن (سهروردی، ۱۳۸۰: ب: ۸۷؛ ۱۳۸۰: الف: ۱۷۸) و دریا و کوه به پادشاه (همان). آثار عمومی‌ای که در زمینه تعبیر خواب نوشته شده‌اند به این نوع تعبیرات می‌پردازند.

ب) انفسی؛ در این نوع، امر مشاهده شده به امری انفسی تعبیر یا تاویل می‌شود، مانند: تعبیر موش و مورچه به حرص و خوک به شهوت و سگ و بوزینه به بخل (رازی، ۱۳۵۱: ۲۹۵). آثار عرفانی بیشتر به این نوع تعبیرات می‌پردازند.

دو) تاویل آیات امری ذومراتب است و ممکن است یک کلمه در قرآن از دید عرفای مختلف و در سطوح عرفانی مختلف به معانی متفاوت تاویل شود، گرچه این تاویلات ناسازگار با یکدیگر نیستند. همچنین تعبیر خواب نیز علاوه بر ذومراتب بودن و داشتن دو مرتبه آفاقی و انفسی، چنانکه ذکر شد به فرد بیننده آن و محیطی که در آن زندگی می‌کند نیز بستگی دارد. چنانکه شیخ اشراق می‌نویسد: تعبیر خواب «بمختلف بالمواضع و الاشخاص و الاوقات و العادات هذه المحاکیات» (سهروردی، ۱۳۸۰: ه: ۱۰۴). قطب شیرازی می‌نویسد که این‌گونه انتقالات تخیلی نیازمند تناسب حقیقی نیستند و به همین دلیل تعبیر آنها به

حسب ادیان و شهرها و حرفه‌ها و عادات افراد با یکدیگر متفاوت خواهند بود (قطب شیرازی، ۱۳۸۴: ۵۰۵). «زیرا که متخیله هر کس محاکات می‌کند چیزی را که به آن آلف و عادت گرفته باشد» (هروی، ۱۳۵۸: ۲۰۸). بدین جهت معبر در تعبیر خواب لازم است تا به محیط، فرهنگ، دین و ... افراد توجه نماید (نک: سبزواری، ۱۴۲۲: ج ۵، ۲۳۲؛ شهرزوری، ۱۳۸۵: ج ۳، ۶۶۷). از این رو در کتاب‌های تعبیر خواب معمولا ذکر می‌شود که دیدن فلان امر بر چند وجه است. به عنوان مثال در مورد باد آمده است: «دیدن باد در خواب بر سه وجه است ...» (تفلیسی، ۱۳۸۵: ۷۹).

این امر را می‌توان بدین نحو توضیح داد که متخیله، آنچه نفس درک کرده است را متناسب با فضای فرهنگی و فکری بیننده، به شبیه یا ضد آن تبدیل می‌کند و بسته به عادت و طبع و حتی اوضاع و احوال فصل‌های سال، محاکات متخیله تغییر می‌نماید (نک: ابن سینا، ۱۳۸۳: ج ۱۳۴). این مطلب نیز یافتن امور مشابه میان تعبیرات ذکر شده و تاویلات آیات را با دشواری همراه می‌سازد؛ زیرا یک تعبیر یا تاویل صد در صد مشخص برای یک مطلب وجود ندارد.

سه) در کتاب‌های تعبیر خواب تنها مفاهیمی تعبیر شده‌اند که دارای شکل هستند و مشاهده‌پذیرند، اما عرفا در آثار خود انواع مفاهیم را تاویل نموده‌اند. بدین جهت تنها می‌توان تعبیرات و تاویلات امور مشاهده‌پذیر مانند گاو، آسمان و ... را با یکدیگر مورد مقایسه قرارداد و تاویلاتی مانند تاویل «کلمه» یا «السباقات سبقا» که در خواب قابل مشاهده نیستند، قابلیت مقایسه با تعبیرات خوابگزاران را ندارند.

چهار) اموری که در کتاب‌های تعبیر خواب تعبیر شده‌اند، لزوما در آثار عرفانی مورد تاویل قرار نگرفته‌اند. لذا تنها می‌توان بررسی تطبیقی حاضر را در مورد امور مشترک میان این دو دسته از آثار انجام داد.

پنج) همگی کتاب‌هایی که در زمینه تعبیر خواب نوشته شده‌اند معتبر نیستند و نمی‌توان از همگی آنها استفاده نمود.

همچنین لازم به ذکر است که کشف و شهود و الهام عامتر از وحی است. لذا این مقاله با بررسی تاویلات قرآنی (وحیانی) دامنه کوچکتر و محدودی از انواع کشف و شهودها را با تعبیر خواب مقایسه کرده است.

۷. آزمون عملی فرضیه

در این بخش با مقایسه تالیلات عرفا در مورد موجودات و اشیاء بکاررفته در قرآن کریم با تعبیراتی که معبران با مشاهده همان موجودات یا اشیاء در عالم خواب بیان کرده‌اند، این نظریه به صورت عملی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در صورت صحت این نظریه، قاعدتاً تالیلات عرفا و تعبیرات خواب‌گزاران در مورد امور واحد، یکسان خواهند بود:

تأویل حقیقت غیبی (نازل شده در بیداری) = تعبیر حقیقت غیبی (مشاهده شده در خواب) = معنای واحد

بدین منظور کتاب‌های تعبیر خواب و تفاسیر تأویلی قرآن مورد جستجو قرار گرفتند. در این بخش به عنوان نمونه به ذکر چند مورد از مشابهت‌های یافت شده میان تأویل آیات و تعبیر خواب‌ها اشاره می‌شود:

● آب (ماء): آب و باران را به علم حقیقی تأویل کرده‌اند (سهروردی، ۱۳۸۰: ۹۶؛ ۱۳۸۰ الف: ۱۹۲؛ ۱۳۸۰ ی: ۲۸۸؛ فرغانی، ۱۳۷۹: ۶۴۵؛ ابن عربی، ۱۳۷۰: ۷۱؛ ۲۰۰۱: ج ۱، ۲۱ و ۶۳) و کشیدن آب از چاه را استنباط علوم به کمک فکر دانسته‌اند (سهروردی، ۱۳۸۰: ۲۹۱) و دریا را در قرآن به دریای معرفت (میبیدی، ۱۳۳۹: ج ۵، ۷۲۸) و مدرکات عقلی تأویل نموده‌اند (سهروردی، ۱۳۸۰: ۷۳؛ ۱۳۸۰ الف: ۱۵۸). در علم تعبیر خواب نیز آب و باران را به معنای حیات طیبه دانسته‌اند (نابلسی، بی‌تا: ج ۲، ۲۲۴-۲۲۵) و آب باران را به رحمت و برکت تعبیر کرده‌اند (تفلیسی، ۱۳۸۵: ۷۹).

● آتش (نار): آتش را در قرآن به علم و مقام سکینه (سهروردی، ۱۳۸۰: ۹۳ و ۹۴؛ ۱۳۸۰ الف: ۱۸۸ و ۱۸۹) و یا فقط به علم تأویل کرده‌اند (ابن عربی، ۲۰۰۱: ج ۱، ۴۱۳؛ ج ۲، ۲۰). در علم تعبیر خواب افروختن آتشی که مردمان از نور آن راه یابند را رسیدن به مقامی دانسته‌اند که دیگران از علم و حکمت وی بهره می‌یابند (تفلیسی، ۱۳۸۵: ۵۰).

● باد (ریح): باد دارای تعبیرها و تأویل‌های مختلفی است که بسته به آیه و نوع خواب متفاوت هستند. یکی از تأویل‌های باد، راحتی و آسایش است (ابن عربی، ۱۳۷۰: ۱۰۹). در کتاب‌های تعبیر خواب نیز باد معتدل را به تندرستی و نیکویی تعبیر کرده‌اند (تفلیسی، ۱۳۸۵: ۷۹). همچنین از قول امام صادق (ع) تعبیر باد را بر تُوّه وجه دانسته‌اند که یکی از آنها شفا و راحتی است (تفلیسی، ۱۳۸۵: ۷۹).

- **خورشید** (شمس، آفتاب): خورشید و آفتاب، به معرفت و آگاهی (سلمی، ۱۳۶۹: ۳۷) و قلب انسان تاویل شده‌اند (سهروردی، ۱۳۸۰: ۸۹؛ الف: ۱۳۸۰: ۱۸۱). در تعبیر خواب، خورشید را به حاکم یا خلیفه بزرگوار تعبیر نموده‌اند (تفلیسی، ۱۳۸۵: ۵۵).
 - **سایه** (ظل): ابن عربی سایه را به نهفتگی و پنهانی تاویل کرده است (ابن عربی، ۱۳۷۰: ۱۰۲-۱۰۳). به طور متناظر یکی از تعبیر سایه در خواب، پناه گرفتن است (تفلیسی، ۱۳۸۵: ۲۲۲).
 - **شهر** (قریه، مدینه): شهر را بر اساس آیه ۵۸ سوره بقره به حریم علم و دین تاویل کرده‌اند و به حدیث پیامبر اکرم (ص) که فرمودند «انا مدینه العلم و علی بابها» استناد نموده‌اند (مبیدی، ۱۳۳۹: ج ۱، ۲۰۹)؛ در کتاب تعبیر خواب نیز آن را به فرد عالم تعبیر کرده‌اند و دقیقاً به همین حدیث از پیامبر استناد نموده‌اند (نابلسی، بی تا: ج ۲، ۲۴۰)، همچنین آن را به دین و مراد تعبیر کرده‌اند (ابن سیرین، بی تا: ۲۶۳).
 - **شیر** (لبن): فرغانی شیر را در کشف و شهود به علم تاویل کرده است (فرغانی، ۱۳۷۹: ۶۷۰) و ابن عربی شیر را در آیه «وانهار من لبن لم يتغير طعمه» (محمد: ۱۵) به علوم نافع تاویل نموده است (ابن عربی، ۲۰۰۱: ج ۲، ۲۶۵). وی تعبیر شیر در خواب را نیز علم دانسته است (ابن عربی، ۱۳۷۰: ۱۵۹) و نیز آن را به منفعت (تفلیسی، ۱۳۸۵: ۲۶۵) و علم تعبیر کرده‌اند (سبزواری، ۱۴۲۲: ج ۵، ۲۳۱).
 - **ماه** (قمر): ماه را در قرآن به انس و آشنایی تاویل کرده‌اند (مبیدی، ۱۳۳۹: ج ۱، ۵۲۰). در تعبیر خواب نیز ماه را به ندیم و همدم تعبیر نموده‌اند (تفلیسی، ۱۳۸۵: ۳۲۷).
 - **نعلین**: مبیدی کندن نعلین از پا را در قرآن به تواضع و خشوع و تادیب تاویل کرده است (مبیدی، ۱۳۳۹: ج ۶، ۱۰۳). به نحو مشابه، کندن نعلین را به طاعت خداوند و کردار نیک تعبیر کرده‌اند (نامعلوم، ۱۳۴۶: ۳۹۲).
- با توجه به موارد مشابهت عملی میان تعبیر خواب و تاویل آیات که به مواردی از آنها به عنوان نمونه اشاره شد، می‌توان صحت فرضیه ابن سینا و شیخ اشراق در مورد مشابهت فرایند تاویل و تعبیر را نتیجه گرفت.

۸. نتیجه‌گیری

ابن سینا و شیخ اشراق معتقدند حقیقت غیبی در صورتی که از طریق خواب بر انسان ظاهر گردد نیازمند تعبیر است و در صورتی که از طریق وحی نازل شود، نیازمند تاویل خواهد بود؛ از این سخنان این نتیجه‌ی ضمنی به دست می‌آید که معنایی که از طریق تعبیر بیان می‌شود با معنای ذکر شده از طریق تاویل یکسان است. زیرا حقیقت غیبی، امر واحدی است که از طریق دو مسیر مختلف معنا شده است. در این مقاله این نظریه با مراجعه به آثار تاویلی عرفا و امور تعبیر شده در کتاب‌های تعبیر خواب به صورت عملی مورد بررسی قرار گرفت و به عنوان نمونه مواردی از مشابهت میان آنها ذکر گردید. همچنین می‌توان وجود رابطه‌ی معنایی میان تعبیر و تاویل و هم معنا بودن تاویل و تعبیر در برخی از آیات قرآن و استفاده‌ی معبرین از آیات قرآن برای تعبیر نمودن خواب‌ها، و نیز نزول وحی در خواب را مؤیداتی برای این نظریه به شمار آورد.

بر این اساس، به دلیل وجود رابطه میان تاویل و تعبیر، می‌توان از هر یک از این دو مسیر برای تکمیل اطلاعات مسیر دیگر استفاده نمود. بدین نحو که برای تعبیر نمودن خواب‌ها از تاویلات آیات قرآن استفاده نمود، همان طور که این روش توسط برخی از معبرین نیز انجام می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. در این مقاله مراد از تاویل در همه جا «تاویل آیات و الهامات» و مراد از تعبیر، «علم تعبیر خواب» است.
۲. این عبارت سهروردی احتمالاً از طبیعیات دانشنامه‌ی علائی ابن سینا اخذ شده است. ابن سینا می‌نویسد: «سبب خواب بازگشتن جوهر روح جسمانی است از ظاهر به باطن» (ابن سینا، ۱۳۸۳ج: ۱۲۹-۱۳۰).
۳. «فإن رأی النفس العدو حاکته المتخیلة بالحیة و الذئب» (سهروردی، ۱۳۸۰ب: ۸۷؛ ۱۳۸۰الف: ۱۷۸).
۴. «و إن رأی الملک حاکته ببحر أو جبل» (سهروردی، ۱۳۸۰ب: ۸۷؛ ۱۳۸۰الف: ۱۷۸).
۵. «آن‌که خواب می‌بیند جانست و جان در آن عالم بیند، پس هر چه آنجا کم شود اینجا زیادت شود. همچنان که کسی بیند که فرزندی زیادت آمد کسی بمیرد، یا بیند که کسی بمرد فرزندی زیادت شود» (سهروردی، ۱۳۸۰ا: ۲۶۲).

۱۴ بررسی ارتباط تعبیر خواب و تاویل آیات بر مبنای دیدگاه ابن سینا و شیخ اشراق

۶. «و اگر بتعبیر بیند که فلان کس مرد عمرش زیادت مانده باشد» (سهروردی، ۱۳۸۰: ۲۶۲).
۷. در عرفان نیز خواب‌ها و کشف و شهودها دسته‌بندی شده‌اند. نجم الدین رازی آنها را تنها به دو دسته تقسیم کرده است و خواب‌هایی که نیازمند تعبیر هستند را نیز جزء خواب‌های صالح دانسته است (نک: رازی، ۱۳۵۱: ۲۹۰-۲۹۱) گرچه وی میان رویای صالح و صادق نیز تمایز ظریفی قائل شده است که خارج از بحث این مقاله است (نک: همان). همچنین فرغانی در بیان انواع کشف و شهود، آنها را به دو دسته تقسیم کرده است که در نوع نخست، حقیقت غیبی عیناً مشاهده می‌شود و در نوع دیگر حقیقت غیبی به صورت مثالی ظاهر می‌شود و نیازمند تاویل است (فرغانی، ۱۳۷۹: ۶۷۰).
۸. «قالوا اضغاث احلام و ما نحن بتاویل الاحلام بعالمین» (یوسف: ۴۴).
۹. این تعبیر از هروی شارح حکمة الاشراق است (نک: هروی، ۱۳۵۸: ۲۰۸).
۱۰. این اصطلاح برگرفته از آیات «قد صدقت الرؤیا» (الصافات: ۱۰۵) و «لقد صدق الله رسوله الرؤیا بالحق» (الفتح: ۲۷) است.
۱۱. بر گرفته از آیه: «منه آیات مُحکَماتٌ هنَّ اُمُّ الْکتابِ و اُخْرُ مُتَشابهاتٌ ... و ما یَعْلَمُ تاویلَهُ اِلَّا اللهُ» (آل عمران: ۷).
۱۲. در آثار عرفانی به این حالت «واقعه» نیز گفته می‌شود که حالتی میان خواب و بیداری و یا بیداری کامل است (نک: رازی، ۱۳۵۱: ۲۸۹). ابن عربی می‌نویسد که هرچه در حالت یقظه مشاهده شود «رؤیت» نام دارد و هر چه در خواب مشاهده شود «رؤیا» نامیده می‌شود (ابن عربی، ۱۹۱۱: ج ۲، ۳۷۵).
۱۳. در این مقاله رابطه میان تاویل باطنی آیات و علم تعبیر خواب مورد بررسی قرار گرفته است. اما برخی از مثال‌های ذکر شده بیانگر وجود رابطه‌ای میان ظاهر آیات و علم تعبیر خواب نیز هست که این مطلب نیازمند بررسی جداگانه‌ای است.
۱۴. این مطلب از آیات ۶، ۲۱ و ۱۰۱ سوره یوسف قابل استنباط است.

کتاب‌نامه

- قرآن کریم.
- ابن سینا، (۱۳۷۵)، الاشارات و التنبیها، مع الشرح نصیرالدین الطوسی، قم: نشر البلاغة.
- ابن سینا، (۱۳۸۳ الف)، پنج رساله، تصحیح احسان یارشاطر، همدان: دانشگاه بوعلی.
- ابن سینا، (۱۴۰۰ ق)، رساله فی الفعل و الانفعال و اقسامهما، بخشی از رسائل ابن سینا، قم: انتشارات بیدار.

ابن سینا، (۱۳۲۶ق)، رساله فی القوى الانسانیة و ادراکاتها، بخشی از کتاب تسع رسائل فی الحکمة و الطبیعیات، قاهرة: دارالعرب.

ابن سینا، (۱۳۸۳ب)، رساله نفس، تصحیح موسی عمید، همدان: دانشگاه بوعلی.

ابن سینا، (۱۳۸۳ج)، طبیعیات دانشنامه علائی، تصحیح سیدمحمد مشکوة، همدان: دانشگاه بوعلی.

ابن سینا، (۱۴۰۴ق)، طبیعیات الشفاء، تصحیح سعید زاید، قم: مکتبه آیه الله المرعشی.

ابن سینا، (۱۳۵۲)، معراج نامه، تصحیح بهمن کریمی، رشت: بی نا.

ابن سیرین، (بی تا)، منتخب الکلام فی تفسیر الاحلام، حاشیه کتاب تعطیر الانام نابلسی، بی جا: المکتب الثقافی.

ابن عربی، محیی الدین، (۲۰۰۱م)، تفسیر ابن عربی، اعداد سمیر مصطفی ریاب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ابن عربی، محیی الدین، (۱۹۱۱م)، الفتوحات المکیة (چهار جلدی)، بیروت: دار صادر.

ابن عربی، محیی الدین، (۱۳۷۰)، فصوص الحکم، تهران: انتشارات الزهرا.

ابن کمونه، سعد بن منصور، (۱۳۹۱)، شرح التلویحات اللوحیة و العرشیة، حقه و قدم له نجفقلی حبیبی، تهران: میراث مکتوب.

ابن منظور، (۱۴۱۶ق)، لسان العرب، تصحیح امین محمد عبدالوهاب و محمد الصادق العبیدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ابوریان، محمد علی، (۱۳۷۲)، مبانی فلسفه اشراق از دیدگاه سهروردی، ترجمه محمدعلی شیخ، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

اژطامیدورس افسسی، (۱۹۶۴م)، کتاب تعبیر الرؤیا، ترجمه حنین بن اسحاق به عربی، تصحیح توفیق فهد، دمشق: المعهد الفرنسي للدراسات العربیة.

انواری، سعید، (۱۳۹۰)، «خره کیانی»، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۱۵، ص ۴۴۲-۴۴۵.

پاکتچی، احمد، (۱۳۸۵)، «تأویل»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۴، تهران: بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

تفلیسی، ابوالفضل حسین بن محمد ابراهیمی، (۱۳۸۵)، کامل التعبير (کلیات جامع تعبیر خواب)، قم: نشر اکرام.

التهانوی، محمد علی، (۱۹۹۶م)، کشف اصطلاحات الفنون، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.

جرجانی، میرسید شریف، (۱۳۷۰)، التعریفات، تهران: ناصرخسرو.

چیتیک، ویلیام، (۱۳۹۲)، عوالم خیال، ترجمه قاسم کاکایی، تهران: هرمس.

رازی، نجم الدین، (۱۳۵۱)، مرصاد العباد، به اهتمام: محمد امین ریاحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۱۶ بررسی ارتباط تعبیر خواب و تأویل آیات بر مبنای دیدگاه ابن سینا و شیخ اشراق

ریزی، اسمعیل به محمد، (۱۳۷۷)، فلسفه اشراق (حیات النفوس)، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: انتشارات موقوفات دکتر محمود افشار.

سبزواری، ملاحادی، (۱۴۲۲ق)، شرح المنظومة، تصحیح مسعود طالبی، قم: نشر ناب.
سلمی، محمد بن حسین، (۱۳۶۹)، حقائق التفسیر، تصحیح نصرالله پورجوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

سهروردی، شهاب‌الدین، (۱۳۸۰الف)، الواح عمادی، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، جلد ۳، تصحیح سیدحسین نصر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سهروردی، شهاب‌الدین، (۱۳۸۰ب)، الواح العمادية، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، جلد ۴، تصحیح نجفقلی حبیبی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سهروردی، شهاب‌الدین، (۱۳۸۰ج)، بستان القلوب، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، جلد ۳، تصحیح سیدحسین نصر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سهروردی، شهاب‌الدین، (۱۳۸۰د)، پرتونامه، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، جلد ۳، تصحیح سیدحسین نصر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سهروردی، شهاب‌الدین، (۱۳۸۰ه)، التلویحات، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، جلد ۱، تصحیح هانری کربن، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سهروردی، شهاب‌الدین، (۱۳۸۰و)، حکمة الاشراق، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، جلد ۲، تصحیح هانری کربن، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سهروردی، شهاب‌الدین، (۱۳۸۰ز)، فی حالة الطفولية، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، جلد ۳، تصحیح سیدحسین نصر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سهروردی، شهاب‌الدین، (۱۳۸۰ح)، اللمحات، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، جلد ۴، تصحیح نجفقلی حبیبی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سهروردی، شهاب‌الدین، (۱۳۸۰ط)، المشارع و المطارحات، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، جلد ۱، تصحیح هانری کربن، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سهروردی، شهاب‌الدین، (۱۳۸۰ی)، مونس العشاق، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، جلد ۳، تصحیح سیدحسین نصر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سهروردی، شهاب‌الدین، (۱۳۷۹)، هیاکل النور، تصحیح محمد کریمی زنجانی اصل، تهران: نشر نقطه.
شهرزوری، شمس‌الدین محمد، (۱۳۸۵)، رسائل الشجرة الالهية، تصحیح نجفقلی حبیبی، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

شهرزوری، شمس‌الدین محمد، (۱۳۸۰)، شرح حکمة الاشراق، تصحیح حسین ضیائی تربتی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- فرغانی، سعیدالدین سعید، (۱۳۷۹)، مشارق الدراری (شرح تائیه ابن فارض)، تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- قطب شیرازی، محمود بن مسعود کازرونی، (۱۳۸۴)، شرح حکمة الاشراق، به اهتمام عبدالله نورانی و مهدی محقق، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مهدوی، یحیی، (۱۳۳۳)، فهرست مصنفات ابن سینا، تهران: دانشگاه تهران.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- ملاصدرا، محمد شیرازی، (۱۳۹۲)، تعلیقه بر حکمة الاشراق، تصحیح نجفقلی حبیبی، تهران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- مبیدی، ابوالفضل رشیدالدین، (۱۳۳۹)، کشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نابلسی، عبدالغنی، (بی تا)، تعطیر الانام فی تفسیر الاحلام (نوشته شده رد سال ۱۰۹۶ق)، بی جا: المکتب الثقافی.
- نامعلوم، (۱۳۴۶)، خوابگزاری، تصحیح ایرج افشار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- نگری، احمد، (۱۳۹۵ق)، جامع العلوم فی اصطلاحات الفنون (دستور العلماء)، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- هروی، محمد شریف، (۱۳۵۸)، انواریه، به اهتمام آستین با همکاری حسین ضیائی، تهران: انتشارات امیرکبیر.